

عنوان مقاله:

کهنالگوی فردیت در رمان چهلسالگی با رویکرد کهنالگویی- اسطورهای

محل انتشار:

دو فصلنامه ادب فارسی، دوره 9، شماره 2 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

شیرین میرشاه ولد - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

غلامعلی فلاح - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی

خلاصه مقاله:

کارل گوستاو یونگ، روانشناس سوئیسی، بنیانگذار «روانشناسی تحلیلی» است. او برخلاف فروید، رشد شخصیت را به کودکی محدود نمیداند، بلکه معتقد است این تعالی در سراسر عمر انسان ممکن است نمود یابد؛ اگرچه هدفهای نیمه دوم زندگی، با نیمه اول آن متفاوت است. از آمال نیمه دوم زندگی، میتوان دستیابی به «فردیت» را نام برد. در این جستار با بهره‌گیری از روانشناسی تحلیلی کارل گوستاو یونگ به خوانشی بینارشته‌ای از رمان چهلسالگیه قلم ناهید طباطبایی پرداخته‌ایم تا براساس دیدگاههای این روانشناس سوئیسی، سفر شخصیت اصلی را بهسوی تکامل و رسیدن به فردیت در آن به اثبات برسانیم. شخصیت اصلی رمان چهلسالگی، شخصیتی پویاست. او برای رسیدن به فردیت، سفری را آغاز میکند که وی را از ناخودآگاهی به شناخت «خود» میکشاند. این شخصیت با کنارآمدن با «سایه»های نهانی و اتحاد با «آنیموس» خود، به کمک راهنماییهای «پیر فرزانه»، تمام تعارضات درونی خود را حل میکند و درنهایت، سفر را با موفقیت به پایان میرساند. بدینترتیب، او علاوه بر گذر از بحران میانسالی، به شناخت خود واقعی خویش نیز دست مییابد.

کلمات کلیدی:

نقد ادبی، روانشناسی، یونگ، کهنالگو، فردیت، رمان چهلسالگی، آنیموس

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1200020>

